

تحلیل گفتمان دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره حقوق متقابل حکومت و مردم

علی کریمی فیروزجایی*
حمید ناطق نوری** فرحناز نعیمی***

چکیده

امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی و از رهبران تاثیرگذار در کل تاریخ بشریت و بویژه جهان اسلام است. دیدگاه‌های امام خمینی همواره روشنگر و چراغ هدایت بشریت و مسلمانان می‌باشد. امام در حوزه‌های مختلف اجتماعی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی دارای ایده‌ها و نظرات بدیع و منحصر بفردی است. ایده‌پردازی و گفتمان‌سازی پیرامون حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و حقوق متقابل حکومت و مردم به وسیله امام از اصلی‌ترین ریشه‌های شکل‌گیری و استمرار نهضت‌های اسلامی قرن حاضر در ایران و سایر کشورهای اسلامی است. تحلیل گفتمان انتقادی علاوه بر ویژگی‌های زبان‌شناختی، به مناسبات و روابط اجتماعی و فرهنگی پرداخته، لایه‌های زیرین متن را بررسی نموده و نکات پنهان در متن را آشکار می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی کلام امام خمینی (ره) درباره حکومت متقابل حکومت و مردم از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف می‌باشد. روش تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوی و جامعه آماری آن، کلام امام از مجموعه سخنرانی‌های امام در صحیفه است و نمونه‌های تحقیق به صورت هدفمند مرتبط با موضوع انتخاب شدند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در نگاه حقوقی و سیاسی امام، رابطه حکومت و مردم و حقوق و تکالیف این دو نسبت به هم، به صورت دوجانبه و متقابل است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، حقوق متقابل، حکومت، مردم، تحلیل گفتمان، فرکلاف.

*استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور استان تهران (نویسنده مسؤل) alikarimif@yahoo.com

**استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز Hnouri12@yahoo.com

***کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان دانشگاه پیام نور واحد قم، ایران.

naimi1383@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۳

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان (discourse analysis) نگرشی نو در رابطه با تحلیل کلام و متن‌های زبانی است. در مبحث تحلیل گفتمان، مناسبات و روابط اجتماعی و فرهنگی به دقت بررسی می‌گردد و برخلاف دستور سنتی، به لایه‌های زیرین متن توجه می‌کند؛ نکات پنهان در متن را آشکار می‌کند و در بند نکات نحوی و ظاهری جمله و عناصر دستوری نمی‌ماند. در واقع تحلیل گفتمان، تحلیل واحدهای زبانی بالاتر از جمله و روشی برای تحلیل گفتار یا نوشتار است که به ورای محدوده جمله و حتی به ناگفته‌ها و نانوشته‌های یک متن در جهت ایجاد ارتباط بین فرهنگ و زبان می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (critical discourse analysis) (فرکلاف) (Fairclough) به بررسی دیدگاه‌های امام خمینی در باب حقوق سیاسی و روابط متقابل حکومت و مردم می‌پردازد. روش تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوا و جامعه آماری آن، مجموعه سخنرانی‌های امام در صحیفه است و ده نمونه تحقیق به شیوه نمونه‌گیری هدفمند مرتبط با موضوع حقوق متقابل حکومت و مردم انتخاب شدند. بر این اساس، ابتدا پیشینه‌ای از آثار پژوهشگران در ارتباط با موضوع مقاله حاضر ارائه می‌گردد، سپس به معرفی گفتمان، تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته خواهد شد و در پایان تحلیل داده‌های تحقیق انجام خواهد شد؛ به دلیل در دسترس نبودن نوار صوتی کلام امام و قابل تفکیک نبودن دو سطح تفسیر و تبیین این دو سطح در یک بند ارائه شده‌اند. این پژوهش در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که امام در تبیین اندیشه سیاسی خود از چه راهکارهای زبان‌شناختی استفاده نموده و مولفه‌های گفتمان‌مدار سخنان امام کدام است و در نهایت در تحلیل سطوح تفسیر و تبیین، لایه‌های زیرین کلام امام و مباحث اجتماعی و سیاسی مربوط کشف و شناسایی گردد.

۲. پیشینه تحقیق

درباره دیدگاه‌های امام خمینی (ره) پژوهش‌هایی با رویکرد تحلیل گفتمان انجام گرفته است لکن درباره موضوع حقوق متقابل حکومت و مردم از منظر امام با شیوه تحلیل گفتمان انتقادی تحقیقی صورت نگرفته و تحقیق حاضر از این حیث دارای نوآوری است. در این قسمت به برخی از آثاری که به دیدگاه‌های امام از منظر تحلیل گفتمان و نیز درباره موضوع حقوق سیاسی از دیدگاه امام پرداختند، اشاره خواهد شد.

- محمدرضا باقرزاده (۱۳۷۹) در مقاله «گذری بر حقوق متقابل مردم و حاکم در جامعه علوی (علیه السلام)» با الهام از سخنان امیرمؤمنان (علیه السلام) در نهج البلاغه به بررسی رواج تعبیری همچون مدینه فاضله، دولت کریمه، حکومت و وراثت صالحان و مانند آن در ادبیات بشری، حاکی از آرمان مشترکی است که پیوسته انسان‌ها در پی تحقق آن بوده‌اند، و گذشته از آن ادیان الهی نیز با قرار دادن چنین هدفی فراروی جوامع بشری آن‌ها را در طریق استکمال اجتماعی تشویق و جهت‌دهی کرده‌اند، پرداخته است.

- محمدهادی معرفت (۱۳۸۰) در مقاله «امام علی (ع) و حقوق متقابل مردم و حکومت» این‌گونه آورده است که حق، گونه‌ای سلطه است که دارنده آن، بر طرف دیگر (من علیه الحق) ایجاب تعهد می‌کند و به همین معنا، در قرآن کریم به کار رفته: «و من قُتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً» (اسراء/ ۳۳) هر که ناروا کشته شود، برای ولیّ وحی حقی قرار دادیم، که طبق آن سلطه یافته، تا قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو کند و طرف وی مُلزم است تا هرچه او تصمیم بگیرد، گردن نهد، مشروط بر آنکه از مرز تعیین شده تجاوز نکند.

- محمدابراهیم جناتی (۱۳۸۱) در مقاله «حقوق متقابل مردم و حاکمان» ابعاد گوناگون حقوق مردم و حقوق حاکم که در اندیشه اسلامی همواره از دغدغه‌های جدی اندیشمندان اسلامی بوده است، بررسی می‌کند. این مقاله ضمن بررسی سیاست دادمدارانه و سیاست حکومت‌مدارانه، حقوق متقابل مردم و حاکم را تحلیل می‌کند. نظام سیاسی دادمدارانه همان نظامی است که اسلام در مبانی و پایه‌های شناخت، به آن دعوت کرده است و از جمله مهم‌ترین برنامه حکومتی این نوع نظام سیاسی، رعایت حقوق مردم است. نظام سیاسی حکومت‌مدارانه یعنی نظامی که از طریق حق منحرف شده و مایه فساد و افساد جامعه و باعث پایمالی حقوق مردم می‌شود؛ از این رو در مبانی اسلام ممنوع شده و پیشوایان، مسوولان و مدیران جامعه بشدت از آن برحذر شده و مردم را نیز از همکاری با متولیان این نظام منع کرده‌اند.

- «حقوق متقابل مردم و حکومت اسلامی از دیدگاه امیرالمومنین علی (ع)» مقاله‌ای است از آیت الله موسوی بجنوردی و راحله صفایی (۱۳۸۸) که با تعریف واژه حق و تکلیف و اثر متقابل بر یکدیگر، بحث حقوق مردم و حکومت را مطرح می‌کند. در حکومت اسلامی رعایت حقوق متقابل مردم و حکومت، از مهم‌ترین مباحثی است که بایستی به آن پرداخته شود. بهترین الگویی که در این زمینه مطرح است حکومت

حضرت علی(ع) است که با تمام سختی‌ها و مشقت‌ها، همواره این حقوق را به عنوان اصل حکومتی در سرلوحه برنامه های خود در نظر داشت. از جمله حقوق مردم، حق نصیحت و خیرخواهی، حق آزادی، حق عدالت و برابری و مساوات، حق امنیت، حق نظارت، حق تعلیم و تربیت، حق حفظ کرامت‌ها و ارزش‌های انسانی و است. از سوی دیگر، مردم ملزم به تبعیت و وفای به عهد خود نسبت به بیعتی که به رهبر کرده‌اند و اطاعت کامل از حاکم و اجرای اصل نصیحت و خیرخواهی نسبت به وی می‌باشند.

– محمدصادق ضیایی، عباس نرگسیان و منیژه کیامنبرد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی (ره)» به بررسی گفتمان امام خمینی (ره) با روش تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که گفتمان امام خمینی (ره)، گفتمان تکثرگراست؛ گفتمانی که درصدد بازتولید قانون‌مداری و حقوق شهروندی است.

– زین‌العابدین گل‌صنم‌لو و عبدالله موحدی محب (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج البلاغه» آورده که امام علی در خطبه‌ها و نامه‌های خود به کارگزاران که بخشی از آن در نهج‌البلاغه بازآمده است، ضمن تشریح وظایف و حقوق مردم و حاکمان، همواره آنها را به رعایت حقوق متقابل سفارش نموده است. حضرت هدف از حکومت را دستیابی به قرب الهی می‌داند. ازاین رو از زمامداران خویش می‌خواهد تا حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان مسلمان و غیرمسلمان و موافق و مخالف را پاس دارند و از سوی دیگر از مردم می‌خواهد تا با وفاداری خود نسبت به تعهد و بیعتی که با آن حضرت بسته‌اند، حکومت علوی را جهت رسیدن به اهداف خویش یاری نمایند.

– همچنین محمدصادق شهبازی‌راد (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان رهبری انقلاب اسلامی» به بررسی گفتمان امام در دوره‌های مختلف و یافتن چگونگی مفصل‌بندی دال‌های مختلف در آن است. پژوهش، کیفی توصیفی از جنس تحلیل گفتمان لاکلا و موفه بوده و نشان می‌دهد در سراسر دوره‌های فعالیت سیاسی امام از سال ۱۳۴۰ تا پایان عمرشان، دقایق گفتمانی نسبتاً ثابتی نظیر عدالت، آزادی، استقلال و استکبارستیزی، پیشرفت و وحدت وجود داشته‌اند.

– مسعود اخوان کاظمی، سید شمس‌الدین صادقی و رضا دهقانی (۱۳۹۴) در مقاله - ای با عنوان «تحلیل نقش امام خمینی در استعلای گفتمان اسلام‌گرایی در جریان

انقلاب اسلامی» از رهگذر چهارچوب نظری تحلیل گفتمانی لاکلا و موف، این مدعا را به اثبات می‌رساند که گفتمان اسلام‌گرا با اتکا به عاملان سیاسی قدرتمند خود، بویژه رهبری امام خمینی و قابلیت‌های ویژه وی، توانست به گفتمانی هژمونیک تبدیل شده و پیروزی انقلابی با ماهیتی اسلامی را رقم بزند.

- علی کریمی فیروزجایی و فرحناز نعیمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی معنایی ون لیوون» با روش تحلیل زبان‌شناختی گفتمان به بررسی عدالت اجتماعی در بیانات امام از صحیفه امام پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در کلام امام، عناصر زبان‌شناختی تعیین نوع اشاره و تعیین نوع ماهیت بالاترین فراوانی را دارد و از مولفه‌های حذف و جذب بیشترین فراوانی را مولفه جذب دارد و شاخص‌ترین مولفه مشخص‌سازی در انسان‌نمایی عنصر پیونددهی است.

۳. گفتمان، تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی

گفتمان اصطلاحی است که اگرچه حوزه‌های بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد اما هنوز تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است. یکی از دلایل این امر آن است که فهم ما از گفتمان، مبتنی بر تحقیقات مجموعه‌ای از رشته‌های علمی است که در واقع بسیار از هم متفاوتند (ون دایک، ۱۹۸۵: ۸). عضدانلو (۱۳۸۰: ۶۵) گفتمان را یکی از ابزارهای موثری می‌داند که برای به اسارت در آوردن زبان، پی بردن به ویژگی‌های مختلف ارتباط میان افراد و همچنین طبقه‌بندی کردن موضوعات آنها در اختیار است. وی گفتمان را نمایان‌گر تبیین زبان در ورای مقیاس‌هایی بزرگتر تلقی می‌کند. سه تعریف مرسوم گفتمان عبارت است از: «۱. گفتمان قطعه‌ای از زبان بامعناست که اجزای آن به نحوی به هم مربوطند و هدف خاصی دارد. ۲. گفتمان محصول ارتباط و تعامل مباشران در بافتی اجتماعی-فرهنگی است. ۳. گفتمان را به عمل گفته یا کار در مقابل محصول گفته یا متن که بازنمای ساخت‌صوری گفتمان است، می‌گویند.» (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۲) و شعیری هم تعریف گفتمان را به صورت زیر بیان می‌نماید: «گفتمان، متن را از معنایی هدفمند و منسجم بهره‌مند می‌سازد. در واقع، متن هویت محتوایی و معنایی خود را که در جهت خاص و منسجم شکل گرفته است، مدیون گفتمان است.» (شعیری، ۱۳۸۵: ۴۵). روی هم رفته و در ورای همه رویکردها به گفتمان باید پذیرفت که گفتمان

قطعه‌ای زبانی و با معناست که اجزای آن به شکلی به هم مربوطند و هدف خاصی را دنبال می‌کنند. (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۱)

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به «گفتمان‌شناسی»، «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف زلیک هریس به کار رفته است. وی در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. بهرام‌پور (۱۳۷۹: ۵۷) معتقد است زبان‌شناسان در بحث از تحلیل گفتمان دو دیدگاه را مطرح می‌کنند: نخست، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی تحلیل واحدهای بزرگتر از جمله تعریف می‌کنند. دوم، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده زبان می‌داند. دیدگاه اول را که به شکل و صورت متن توجه می‌کند، ساختارگرا و دیدگاه دوم را که به کارکرد متن توجه دارد، کارکردگرا می‌نامند. اولی گفتمان را واحد مشخصی از زبان می‌داند که بزرگتر از جمله است و تحلیل گفتمان را تحلیل و بررسی این واحدها برمی‌شمرد؛ دیدگاه دوم تحلیل گفتمان را مطالعه جنبه‌های مختلف چگونگی استفاده از زبان می‌داند که بر روی کارکردهای واحدهای زبانی متمرکز است. تحلیل گفتمان از نگاه زلیک هریس روشی است برای تحلیل گفتار یا نوشتار و پیوسته این به معنای بسط زبان‌شناسی توصیفی به ورای محدوده جمله در یک زمان و در جهت ایجاد ارتباط بین فرهنگ و زبان است. به عبارتی تحلیل گفتمان، تحلیل چنین واحد زبانی بالاتر از جمله است. تحلیل گفتمان و متن، به شاخه‌ای از زبان‌شناسی جدید اطلاق می‌شود که هدف آن توصیف کلام پیوسته معنی‌دار بالاتر از جمله است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۷-۶۶). تحلیل گفتمان روشی برای تحلیل گفتار یا نوشتار است که به ورای محدوده جمله و حتی به ناگفته‌ها و نانوشته‌های یک متن در جهت ایجاد ارتباط بین فرهنگ و زبان می‌پردازد. تحلیل گفتمان، تحلیل چنین واحد زبانی بالاتر از جمله می‌باشد. تحلیل گفتمان شامل تحلیل

ساختار زبان گفتاری مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها - و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره است (یحیایی ایل‌ای ۱۳۹۰: ۵۹).

تعاریف متنوع و گوناگونی از تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفته است. آفاگل‌زاده و غیثیان (۱۳۸۶: ۱۹) بر این باور هستند که تحلیل گفتمان انتقادی، شاخه علمی میان-رشته‌ای در علم زبان‌شناسی است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی، زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن، اعم از گفتاری و نوشتاری مورد مطالعه قرار می‌دهد. تحلیل گفتمان انتقادی از ره‌آورد پسامدرن یا پست مدرنیسم است که ریشه در آرای میشل فوکو دارد. این رویکرد از زبان‌شناسی معتقد است که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط بین قدرت و سلطه نهادهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیکی، متن یا صورت زبانی یا معانی جدیدی را به وجود می‌آورند. در این رویکرد، زبان آن آئینه شفاف نیست که حقایق را بنمایاند، بلکه شیشه ماتمی است که حقایق را تحریف می‌کند و چگونگی تحلیل آن در اراده قدرت‌های پنهان و آشکار حاضر در نهادهای اجتماعی، سیاسی، گفتمان‌ها را می‌سازند و سپس این گفتمان‌های مورد نظر، با ایدئولوژی و اهداف خاص در گذر زمان از طریق نهادهای اجتماعی، آنچنان در جامعه جا باز می‌کنند و طبیعی جلوه می‌دهند که مردم آن گفتمان را و پذیرش تفکر را امری طبیعی و منطقی و به اراده خود می‌پندارند و بدون هیچ‌گونه مقاومتی، آن را می‌پذیرند و تصور می‌کنند که آزادانه و به اختیار خود می‌اندیشند، قضاوت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، به عبارت دیگر، گفتمان‌ها القاکننده فرهنگ و ایدئولوژی خاص در جامعه هستند. در این رویکرد روابط سلطه و ایدئولوژی دوسویه است.

تحلیل گفتمان انتقادی حاصل برخورد با گفتمان به مثابه کنش اجتماعی زبان است. این نوع نگرش از بطن جامعه‌شناسی جوانه زده و گرایشی در مطالعات کلامی/گفتمانی به وجود آورده که زیر عنوان تحلیل کلام/گفتمان انتقادی مشهور گشته است (دبیرمقدم، ۱۳۸۶: ۵۱). به عقیده‌ی تحلیل‌گران گفتمان انتقادی، هر متن متشکل از دو لایه است: لایه‌ی زیرین و لایه‌ی زبرین و وظیفه زبان‌شناس کشف، تبیین و توجیه لایه‌ی زیرین متن است. (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶).

امروزه تحلیل گفتمان انتقادی به دلیل بین رشته‌ای بودن به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی (

critical linguistics) مورد استفاده واقع می‌شود. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷) در چهارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی چند رویکرد اصلی از جمله انگاره‌شناختی اجتماعی نئون و ن‌دایک، رویکرد جامعه‌شناختی و تاریخی به گفتمان روث و داک، مولفه‌های جامعه‌شناختی معنایی تئو و ن‌لیوون و گفتمان و زبان به مثابه کردار اجتماعی نورمن فرکلاف وجود دارد و به دلیل این که چهارچوبه این تحقیق نظریه فرکلاف است، در بخش بعدی به معرفی کلیات این رویکرد پرداخته می‌شود.

۴. رویکرد فرکلاف؛ گفتمان و زبان به مثابه کردار اجتماعی

دیدگاه نورمن فرکلاف در مورد تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان روشی مطرح می‌شود که می‌توان آن را در پژوهش‌های اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار داد. فرکلاف رویکرد خود را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد و اولین هدف را که بیشتر جنبه نظری دارد «کمک به تصحیح کم‌توجهی گسترده نسبت به زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت» و دومین هدف را که کاربردی‌تر است «کمک به افزایش آگاهی نسبت به این که چگونه زبان در سلطه بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد». این رویکرد اکنون یکی از جامع‌ترین چهارچوب‌های تحلیل گفتمان انتقادی است. الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف نشأت گرفته از رابطه و تعامل میان قدرت و زبان است. فرکلاف دو نوع قدرت و زبان را مطرح می‌کند که عبارتند از: قدرت در زبان و قدرت در پشت زبان. او گفتمان را شامل متن و معرفت‌های اجتماعی تولید و تفسیر متن می‌داند و بر این باور است که این معرفت‌های اجتماعی به سه سطح متفاوت سازمان اجتماعی مرتبط هستند: سطح اول؛ شرایط اجتماعی یا محیط اجتماعی بلافصل (immediate) که گفتمان در آن حادث شده است، سطح دوم؛ نهاد اجتماعی که گفتمان را در یک گستره-ای وسیع در بر می‌گیرد و سطح سوم؛ جامعه، به منزله یک کل. فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: اول؛ گفتمان به مثابه متن، دوم؛ گفتمان به مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن و نهایتاً؛ گفتمان به مثابه زمینه متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی است. از نظر فرکلاف، به واسطه تحلیل گفتمان انتقادی، حوزه‌های علمی علوم اجتماعی و زبان‌شناسی در یک چهارچوب تئوریک و تحلیلی واحد، با یکدیگر جمع می‌شوند و دیالوگی در میان آنها ایجاد می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۸-۹۶). از دید فرکلاف، ریشه تغییرات اقتصادی و اجتماعی به مقدار قابل توجهی در تغییرات زبان و

گفتمان نهفته است. بدین معنی تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند با ارائه استدلال‌های نظری در مورد اینکه این دگرگونی‌ها چیستند، چگونه به وجود آمده‌اند و ممکن است به چه صورت درآیند و اینکه چه کسانی می‌توانند در این شرایط زندگی خود را ساخته یا بازسازی کنند، متمرثمر و مفید واقع شود.

فرکلاف سه مرحله توصیف (Description)، تفسیر (Interpretation) تبیین (explanation) را برای تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌کند: توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد. تفسیر به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد و مرحله سوم یعنی تبیین به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد.

۴-۱. مرحله توصیف متن

این مرحله، که مرحله اول تحلیل گفتمان انتقادی است، با تمرکز بر واژه‌ها و وجوه دستوری و تحلیل زبان‌شناختی متن به جستجوی «ارزش‌های تجربی»، «ارزش‌های رابطه‌ای» و «ارزش‌های بیانی» موجود در متن که فرکلاف آنان را «ارزش‌صوری» متن نام گذاشت، می‌پردازد. ارزش تجربی نشانه و سرنخی از روش به دست می‌دهد که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌گردد و با محتوا، دانش و اعتقادات سروکار دارد. ارزش رابطه‌ای، نشانه و سرنخی از آن دسته از روابط اجتماعی به دست می‌دهد که از طریق متن در گفتمان به مورد اجرا در می‌آید و با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سروکار دارد و سرانجام ارزش بیانی که نشانه و سرنخی از ارزشیابی تولیدکننده از بخشی از واقعیت را ارائه می‌دهد که مرتبط با این ویژگی است و با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱، ۱۷۲)

البته توصیف متن شامل عناصر زبانی دیگری همچون توجه به ضمائر، استعاره‌ها، کنش گفتارها و موارد دیگر موجود در متن نیز می‌شود. از نظر سلطانی (۱۳۸۳: ۷۸) تحلیل متن (explanation) شامل دو نوع تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل بینامتنی (intertextuality analysis) است که مکمل یکدیگرند. تحلیل زبان‌شناختی تحلیلی بسیار گسترده دارد که علاوه بر سطوح متعارف آن، مسائل فراتر از حد تحلیل جمله در متن را نیز تحلیل می‌کند؛ مسائلی همچون انسجام بین جمله‌ای و جنبه‌های گوناگون ساختار متون که مورد بررسی تحلیل‌گران گفتمان و تحلیل‌گران مکالمه قرار می‌گیرد. فرکلاف از دستور نقش‌گرای هلیدی که مبنای آن مفهوم نقش است، به عنوان یک نظریه زبانی برای تحلیل متن استفاده می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

۴-۲. مرحله تفسیر متن

تفسیر، مرحله دوم تحلیل گفتمان انتقادی است. از نظر فرکلاف نمی‌توان از طریق ویژگی‌های صوری متن، مستقیماً به این تأثیرات ساختاری بر شالوده جامعه دست یافت، چرا که اساساً نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است که بیش از هر چیز توسط گفتمان که متن خود بخشی از آن است، برقرار می‌شود. به این دلیل که ارزش ویژگی‌های متنی تنها با واقع شدن در تعامل اجتماعی است که جنبه واقعی می‌یابد و از نظر اجتماعی نیز عملی می‌شود. در این قسمت متون براساس پیش-فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش زمینه‌ای) که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر می‌شوند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۴) فرکلاف ویژگی‌های صوری متن را سرنخ‌هایی می‌داند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و تفسیر، محصول دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر است. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵) البته مفسر دربردارنده محقق و کنشگرانی است که با تکیه بر دانش زمینه‌ای خود، متن‌ها را تفسیر کرده و بر این اساس تعاملات میان خود را تنظیم می‌نمایند. به عقیده فرکلاف تفسیر متن به دو قلمرو اصلی ۱- بافت موقعیتی؛ ۲- بافت بینامتنی و پیش‌فرض‌ها که خود به قلمروهای کوچک‌تری تقسیم می‌شوند، متن را تفسیر نمود. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۴، ۲۱۹)

۴-۳. مرحله تبیین متن

هدف از مرحله سوم یعنی تبیین، بررسی گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات باز تولیدی می‌توانند بر ساختارهای اجتماعی بگذارند، اثراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. تبیین از دید گفتمان، به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت محسوب می‌شود. هدف فرکلاف از این مرحله بررسی تأثیر متقابل گفتمان بر ساختارها و از سویی ساختارها بر گفتمان‌ها است. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵)

۵. تحلیل داده‌ها

در این قسمت تحلیل و بررسی ده فراز از کلام امام پیرامون حکومت اسلامی و حقوق متقابل حکومت و مردم ارایه می‌گردد. هر فراز در دو بخش جداگانه قسمت اول توصیف و قسمت دوم تفسیر و تبیین در سطوح متن و عناصر گفتمانی تحلیل خواهد شد.

۱-۵. فراز اول

«فرق میان انقلاب اسلامی و غیراسلامی، همین است که انقلاب وقتی اسلامی شد، توده‌های مردم همراه با آن هستند و وقتی توده‌های مردم با یک مشی همراه شوند، زود پیش می‌رود و کم‌فساد است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۰: ۲۰)

۱-۱-۵. توصیف

در این فراز واژگان تداعی‌کننده حقوق سیاسی و رابطه متقابل حکومت و مردم، عبارت‌های «توده مردم»، «انقلاب» و «اسلامی» است که هر کدام دو بار تکرار شده‌اند. رابطه معنایی متقابل صوری بین واژه‌های «اسلامی» و «غیراسلامی» وجود دارد. عنصر معنایی از پیش‌انگاری هم بدین صورت که فرض امام بر این است که شنونده، فاعل جمله «زود پیش می‌رود» را می‌داند؛ ظاهر گردیده است. فاعل جمله در واقع «مشی» است که در جمله قبلی در جایگاه مفعول حرف اضافه‌ای ذکر شده است. پس به نظر باید برای جمله دوم نیز تکرار شود، که نشده است.

۲-۱-۵. تفسیر و تبیین

این فراز بخشی از سخنرانی امام در جمع بانوان لنگرود و با موضوع کلی «جدایی دین از سیاست و جامعیت اسلام» و در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ در شهر قم است. در سطح زیرین این فراز، تاکید بر همراهی و حمایت مردم از حکومت نهفته است و از نگاه امام مادامی که حکومت ماهیت اسلامی داشته باشد، وظیفه مردم پشتیبانی و حمایت از آن است. نتیجه همراهی مردم، پیشرفت امور کشور و جلوگیری از فساد و تباهی جامعه است. در موضوع حقوق متقابل مردم و حکومت، امام در این فراز به حمایت و همراهی مردم با حکومت اشاره می‌کند، اما بر ضرورت وجود اسلام به عنوان ماهیت حکومت با هدف هدایت و رستگاری انسان‌ها هم تاکید دارد و در واقع معرفی مدل جدیدی از دموکراسی و پیوند میان دین و سیاست مطرح می‌شود.

۲-۵. فراز دوم

«مهم این است که انقلاب اسلامی، اسلامی است و به دست مردم صورت گرفته است. مردم انقلاب کرده‌اند، مردم باید آن را به آخر برسانند. مردم قیام کرده‌اند، شاه را بیرون کرده‌اند و رژیم را سرنگون نموده و نظام اسلامی را که به نفع مستضعفین است،

جایگزین آن کرده‌اند. پس مردم پای کاری که کرده‌اند، بایستند. هر چه عمل بزرگ‌تر باشد، دشمنش بیشتر و بزرگ‌تر است». (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۹: ۵۴)

۵-۲-۱. توصیف

در فراز دوم واژگان تداعی‌کننده حقوق سیاسی و رابطه متقابل حکومت و مردم، «مردم» (پنج بار)، «اسلامی» (سه بار)، «انقلاب» (دو بار) و «مستضعفین»، «نظام» و «رژیم» هر کدام یک بار هستند. رابطه معنایی همان‌گویی در جمله اول «انقلاب اسلامی، اسلامی است». امام با استفاده از فعل التزامی «باید»، بر وظیفه مردم در قبال حکومت که همراهی با انقلاب و حکومت تا رسیدن به سرمنزل مقصود است تاکید می‌ورزد. ضمناً بر اسلامی بودن انقلاب تاکید می‌کند که نشان از اصل دانستن اسلام در همه امور و وجه ممیزه نوع حکومت مد نظر امام است. برجسته‌سازی و ارزش تجربی واژگان که به صورت تاکید بر روی فاعل چندین جمله پی‌درپی به واسطه تکرار همان فاعل یعنی «مردم» که نشان از اهمیتی است که امام برای نقش مردم در هدایت فعالیت‌ها و تحرکات سیاسی، اجتماعی و انقلابی قایل است و این برجسته‌سازی «مردم»، حکایت از احترام امام به حقوق سیاسی دارد. همچنین نسبت دادن فعل‌های «سرنگون کردن» و «بیرون کردن» به مردم توسط امام ناشی از این است که ارزش تجربی این افعال در نظر ایشان مثبت است؛ هر چند این افعال به خودی خود بار معنایی مثبت ندارند. به کارگیری اصطلاح «پای کار ایستادن»، کنایه از مصر بودن و جدی بودن در تصمیم است. امام با بکارگیری این واژه از یکسو جایگاه نقش مردم را پررنگ می‌کند و از دیگر سو یادآور می‌شود که مردم باید تا آخر پشتیبان و همراه نظام بمانند و هرگونه تغییر و تحول مثبت نیز باید بدست خود مردم انجام شود. واژه «دشمن» در جمله آخر نماینده قدرت‌های استکباری خارجی و منافقین است. از جمله «مردم انقلاب کردند» تا جمله یکی به آخر، «مردم» مبتدا، فاعل و کنشگر است و وجود این آغازگر، یکی از مولفه‌های گفتمان‌مدار محسوب می‌گردد. زیرا واژه «مردم» چه به صورت آشکار و چه پنهان مرتب تکرار شده و نشان از اهمیت نقش مردم در این کار است.

۵-۲-۲. تفسیر و تبیین

فراز دوم قسمتی از سخنرانی امام در جمع اعضای کمیته برگزاری هفته جنگ و با موضوع کلی تحمل مصائب برای حفظ اسلام در روز ۱۸ شهریور ۱۳۶۳ در تهران

(جماران) انتخاب شده است. منظور اصلی امام در این فراز، اشاره به حقوق حکومت است که مردم باید همان طور که در ایجاد آن سهیم بودند بر استمرار راه انقلاب، در مقابل دشمنان و بدخواهان مقاومت نموده و حاکمیت را همراهی نمایند.

۳-۵. فراز سوم

«آقایان توجه کنند و ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور... همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است». (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۸: ۱)

۱-۳-۵. توصیف

واژگان مربوط به حقوق سیاسی و رابطه متقابل حکومت و مردم، در این فراز عبارتند از دو کلمه «ملت» و «نظارت» که هر کدام دو بار تکرار شده‌اند و واژه «اسلام» که یک بار استفاده شده است. «آقایان» که اشاره به دولتمردان دارد، در جایگاه توجه قرار گرفته است. تکرار دوباره واژه «موظفند» نشان از ارزش قائل شدن برای نقش مردم و یادآوری تعیین‌کننده بودن و اصیل بودن نقش ایشان در امر مملکت است. در جمله «نظارت کنند بر این امور» به جای «بر این امور نظارت کنند» که در موضوع اصلی فعل پسایند شده است. در دستور نقش و گرامر، به جایگاه موضوعات اصلی و غیراصولی اشاره کرده است. این مساله مجدداً در جمله آخر تکرار شده است.

۲-۳-۵. تفسیر و تبیین

این سخنرانی امام در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج و با موضوع کلی «مخدوش شدن چهره اسلام» در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۵۸ و در شهر قم ایراد شده است. این فراز به اندیشه سیاسی امام در خصوص حق مهم دولت بر مردم اشاره دارد که همان مسئولیت نظارتی و مشورتی است. در اندیشه سیاسی اسلامی مردم باید به رفتارهای سیاسی و اجتماعی زمامداران توجه جدی داشته باشند چرا که نظرهای مشورتی و خیرخواهانه موجب اصلاح کارگزاران و تقویت حکومت اسلامی می‌شود. در این دیدگاه، مردم سهم اساسی در امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت زمامداران و نظارت بر اعمال حکومت و سالم‌سازی جامعه دارند.

۴-۵. فراز چهارم

«این مردم هستند که حق می‌گویند، حق خودشان را طلب می‌کنند. آزادی حق مردم است. استقلال یک مملکت، حق اهالی آن مملکت است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۰۱)

۴-۵-۱. توصیف

واژگان تداعی‌کننده حقوق سیاسی و رابطه متقابل حکومت و مردم در این فراز عبارتند از: «مردم، حق طلب کردن، آزادی، حق، استقلال، اهالی» در جمله «این مردم هستند که ...» اسنادسازی صورت گرفته است تا برجستگی و تاکید بیشتر را روی مردم نشان دهد. در این فراز کوتاه چهار بار واژه «حق» تکرار شده است که این تکرار مبین وجه گفتمانی آن بوده و اهمیت حقوق مردم در نظام سیاسی اسلام و اندیشه امام را نشان می‌دهد.

۴-۵-۲. تفسیر و تبیین

فراز چهارم از سخنرانی امام در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج و با موضوع کلی «تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائر» در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۵۷ و در پاریس، نوفل لوشاتو انتخاب شده است. به نظر امام یکی از حقوق اصلی مردم، حفظ حاکمیت داخلی و استقلال کشور در برابر نیروهای بیگانه و تأمین آزادی‌های سیاسی مردم است. به عبارتی دیگر از حقوق مهم ملت بر دولت، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم است که باید زمامداران حکومت اسلامی در اداره جامعه به آن توجه نمایند.

۵-۵. فراز پنجم

«ملت را دعوت کنید به رأی؛ منتها ملت و شما و هر کس آزاد است، همیشه و به هر کس که می‌خواهد، رأی بدهد... نمی‌شود که کسی الزام کند کسی را که تو باید به فلانی رأی بدهی. ولو آنکه آقایان و- فرض کنید که- علمای حوزه علمیه تهران یا قم آنها را معرفی نکرده باشند. شما الزامی ندارید به اینکه هر چه آنها معرفی کردند شما هم همان را معرفی کنید. البته آنها بررسی کرده‌اند، تخصص در این امر دارند، بررسی امور کرده‌اند و با بررسی، این کار را انجام داده‌اند، لکن این اسباب این نمی‌شود که کسی الزام کند کسی را که تو باید به فلان رأی بدهی.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۱۲۰)

۵-۵-۱. توصیف

کلمات و عبارات ناظر بر حقوق سیاسی و رابطه متقابل حکومت و مردم در این فراز عبارت است از: «ملت، رای، آزاد». تکرار دو بار واژه «ملت» و چندین بار تکرار ضمیر «هر کس» و سه بار واژه «رای» یکی از سرنخ‌های گفتمانی این فراز است که نشان از جایگاه بالای رای مردم در اداره کشور از دیدگاه امام است. تقابل معنایی به کار رفته در این فراز یعنی «الزام و آزاد» و بکارگیری تعبیر «دعوت از مردم» توسط امام، حکایت از اهمیت حقوق شهروندی و احترام به جایگاه مردم در اندیشه سیاسی امام دارد. تصریح امام به نهاد حوزه علمیه که از نظر امام یک مرجع صالح و صاحب تخصص برای دادن فهرست انتخابات و مشخص کردن نامزدهای انتخابات است، و تاکید بر این که حتی معرفی آنها هم برای مردم تکلیف‌آوری ندارد و هر کس آزاد است تا به فرد مورد نظر خود رای دهد.

۵-۵-۲. تفسیر و تبیین

فراز پنجم قسمتی از سخنرانی امام که در جمع ائمه جمعه و روحانیون استان همدان، روحانیون اصفهان، اعضای نهادهای اجرایی، اهالی جزیره خارک، اعضای شوراهای برنامه‌ریزی استانها و وزارتخانه‌ها، کارکنان سازمان برنامه و بودجه، کارکنان مرکز اسناد انقلاب اسلامی و با موضوع کلی «تحول روحی و مقابله با مشکلات» و در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۶۱ در تهران، حسینیه جماران ایراد شده، انتخاب گردیده است. مراد امام پرهیز کارگزاران و دولتمردان از دخالت در انتخابات و تحمیل نمودن رای خودشان به مردم است. از نظر امام همه مردم در انتخاب افراد آزاد هستند و رسالت دولتمردان فقط تمهید مقدمات حضور مردم در مشارکت و رای دادن است. با توجه به حاضران در سخنرانی امام که برخی از مقامات اجرایی هستند، انتخاب شناسه‌های فعلی و ضمیر دوم شخص جمع «شما» نوعی تاکید امام بر مدیران و کارگزاران و منع آنها از دخالت در انتخابات است. چ

۵-۶. فراز ششم

«حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر، از رویه پیامبر اکرم(ص) و علی(ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت می‌باشد و نیز مشکل حکومت، با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید.» (امام‌خمینی، ۱۳۸۹ ج ۴: ۳۳۴)

۵-۶-۱. توصیف

کلمات و عبارات ناظر بر حقوق سیاسی و رابطه متقابل حکومت و مردم در این فراز «حکومت، جمهوری اسلامی، آرای ملت» هستند که واژه‌های «حکومت» و «آرای ملت» دو بار تکرار شده‌اند. امام در این فراز برای روشن ساختن تکلیف همگان، چه مردم و چه دولتمردان، از کارگفت اعلامی استفاده می‌کند تا وظایف همگان و خط مشی نظام مشخص شود و با استفاده از کارگفت تعهدی «با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید» تعهد و پای‌بندی به حقوق شهروندی را تاکید دارد.

۵-۶-۲. تفسیر و تبیین

این فراز بخشی از مصاحبه امام با مجله المستقبل با موضوع کلی «ارزیابی اوضاع ایران و رژیم شاه» در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۵۷ در پاریس، نوفل لوشاتو است. این مصاحبه چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی انجام گرفته است و امام در این فراز با مقایسه حکومت آتی جمهوری اسلامی که مد نظر وی است، با حکومت‌های صدر اسلام که با انتخاب مردم روی کار آمده بودند، توجه به رای مردم و احترام و پیروی از رأی ملت را وظیفه دولت اعلام نمودند.

۵-۷-۱. فراز هفتم

«ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل کنیم.» (امام‌خمينی، ۱۳۸۹ ج ۱۱: ۳۴)

۵-۷-۱. توصیف

کلمات و عبارات دلالت‌کننده بر حقوق سیاسی و رابطه متقابل حکومت و مردم عبارت است از: «ملت، تابع آرا، تبعیت، حق، تحمیل». تکرار دوباره و سه‌باره واژه‌های «ملت، رای و حق» در این فراز حاکی از عمق اعتقاد امام به رای مردم در اداره کشور است. امام به منظور روشن شدن خط مشی نظام در مواجهه با آرا و نظرات مردم، از کارگفت اعلامی در دو جمله نخست از کارگفت اعلامی استفاده نموده است.

۵-۷-۲. تفسیر و تبیین

این سخنرانی امام در جمع فرستاده پاپ و سرپرست وزارت امور خارجه با موضوع کلی «انتظار از پاپ- محاصره اقتصادی» در روز ۱۹ آبان ۱۳۵۸ در شهر قم ایراد شده است. امام در این فراز هم مجدداً با اشاره به لزوم تمکین و تبعیت دولتمردان از رای مردم، تاکید نموده است که خدا و پیامبرش به کسی حق نداده است که بخواهند چیزی را به ملت تحمیل نمایند.

۵-۸-۱. فراز هشتم

«حکومت اسلامی، حکومت ملی است؛ حکومت مستند به قانون الهی و آرای ملت است و این طور نیست که با قلدری آمده باشد که بخواهد حفظ کند خودش را. خودش با آرای ملت می‌آید و ملت او را حفظ می‌کند و هر روز هم که برخلاف آرای ملت عمل کند، قهراً ساقط است و ملت او را کنار می‌زند». (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۲۱۴)

۵-۸-۱. توصیف

کلمات و عباراتی که در این فراز بر حقوق سیاسی و رابطه متقابل حکومت و مردم دلالت دارند عبارتند از: «حکومت، اسلامی، الهی، ملی، آرا، ملت». تکرار واژه‌های «حکومت و آرا» (سه بار) و «ملت» (چهار بار) در این فراز نشان از توجه خاص امام به نقش مردم دارد تا حدی که در جمله آخر دوام و بقای حکومت را منوط به حمایت مردم می‌داند. با عنایت به زمان ایراد این سخنرانی که چند ماه قبل از پیروزی انقلاب است، امام در جمله اول و دوم با کارگفت‌اعلامی بر روی نقش آحاد مردم در تعیین مشی حکومت آینده صحنه می‌گذارد و به نوعی خط مشی نظام را تعیین می‌کند. در این گفتار امام به جای واژه «مردم» از «ملت» استفاده کرده است. در واقع با دادن ارزش بیانی مثبت به مردم آن واژه را سیاسی‌تر نموده است. زیرا ملت (nation) اشاره به جایگاه سیاسی مردم در دنیا دارد. این تعبیر بر پررنگ کردن نقش مردم و حقوق شهروندی نیز تاثیرگذار است.

۵-۸-۲. تفسیر و تبیین

فراز هشتم بخشی از سخنرانی امام در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج درباره «تظاهرات تاسوعا و عاشورا» در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۵۷ و در پاریس، نوفل لوشاتو است. در اندیشه سیاسی و حقوقی امام، کارگزاران جامعه و دولتمردان، امانت‌داران مردم و

وکلاهی آنان هستند و چون حکومتی بر مبنای قوانین و آموزه‌های الهی روی کار آمده است، بنابراین حاکمان وظیفه دارند از نفوذ و قدرت سیاسی خود در جهت توسعه و ترویج آموزه‌های دینی و تأمین منافع مردم و مصلحت جامعه استفاده نمایند. در دیدگاه امام چنانچه حاکمی از این مسیر الهی خارج شود، امت اسلامی با استفاده از جایگاه نظارتی و مشورتی خویش، او را برکنار می‌کنند. امام در جمله «حکومت مستند به قانون الهی و آرای ملت است»، علاوه بر تأکید بر رای مردم در تعیین سرنوشت خویش، به ضرورت وجود اسلام به عنوان ماهیت حکومت تحت عنوان «مستند به قانون الهی» اشاره دارد. موضوعی که وجه ممیز نظام سیاسی مد نظر امام یعنی جمهوری اسلامی با سایر نظام‌های دمکراتیک است.

۹-۵. فراز نهم

«در حکومت اسلامی، حکومت عدل، حکومت‌ها باید تابع مردم باشند و حکومت‌ها برای مردم باشند، نه مردم برای حکومت‌ها. حکومت اسلامی، حکومتی است که باید خدمت‌گزار مردم باشد». (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۶: ۴۶۸)

۹-۵-۱. توصیف

واژگان و عباراتی که در این فراز به حقوق سیاسی و مربوط می‌شوند عبارت است از: «حکومت اسلامی، عدل، مردم، برای مردم و خدمت‌گزار مردم». در این فراز با توجه به استفاده از رابطه تضاد معنایی «حکومت برای مردم باشد نه مردم برای حکومت» موضع صریح امام در مورد رابطه متقابل حکومت و مردم و حقوق شهروندی بیان شده است. استفاده از واژه «باید» (باید تابع مردم باشد) نیز دال بر صراحت امام در باب جدیت حقوق شهروندی است. به نظر می‌رسد امام با تکرار پی در پی واژه «حکومت» (هفت بار)، قصد دارد در واقع بر حاکمیتی تأکید کند که از آن مردم است.

۹-۵-۲. تفسیر و تبیین

این فراز از سخنرانی امام در جمع اسقف هیلارین کاپوچی (عضو افتخاری سازمان الفتح) و همراهان و با موضوع کلی «اوضاع ایران در دوران شاه و راه آزادی فلسطین» در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ در شهر قم انتخاب شده است. در اندیشه امام یکی از شئون حکومت اسلامی، خدمت‌گزاری به مردم است. امر خدمت‌گزاری که مقدمه اجرای

عدالت است، یکی از اهداف تاسیس حکومت دینی محسوب می‌شود. از این نگاه، موفقیت دولت جمهوری اسلامی در خدمتگزاری و ارائه خدمات اجتماعی به شهروندان، یکی از معیارهای اصلی دینی بودن دولت، محسوب می‌گردد.

۵-۱۰. فراز دهم

«در حکومت اسلامی، همه طبقات در برابر قانون مساوی‌اند، هیچ یک از اقشار، جایگاه ویژه‌ای در حاکمیت ندارند و همه می‌توانند از استعدادهای خویش بهره‌برداری نموده و به هر درجه علمی و اجرایی که مایل باشند، نایل آیند». (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۲: ۲۸۰)

۵-۱۰-۱. توصیف

در این فراز از رابطه معنایی باهم‌آیی استفاده شده است که تداعی‌کننده حقوق سیاسی است: «همه طبقات، مساوی، قانون، اقشار، جایگاه ویژه، حاکمیت، استعداد و بهره‌برداری». ضمن آن‌که استفاده از سوره‌های «همه، هیچ یک و هر» صراحت امام در امر حقوق شهروندی را تداعی می‌نمایند و در واقع امام در این مورد حکم کلی صادر می‌کند.

۵-۱۰-۲. تفسیر و تبیین

در این فراز به مقوله قانون‌محوری و پای‌بندی به قانون تاکید شده است که شاخصه مهم دولت اسلامی در اندیشه امام است. در این دیدگاه، دولت و حاکم اسلامی در چهارچوب قانون و منافع و مصالح آحاد مردم در مصدر امورات حکومتی قرار می‌گیرند. در اندیشه حقوقی و اجتماعی امام، قانون فصل‌الخطاب و حاکم حقیقی جامعه است و آزادی عمل و شکوفایی علمی و اجرایی همه مردم به صورت عادلانه و در چهارچوب قانون و مقررات مربوطه، امکان‌پذیر است.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل دیدگاه‌های امام خمینی در حوزه مباحث مربوط به حقوق سیاسی و رابطه بین حکومت و مردم نشان می‌دهد که نوع نگاه امام به مسائل حکومتی و سیاسی با سایر رهبران معاصر تفاوت‌های اساسی دارد. در سطح تبیینی، رابطه حکومت

و مردم و حقوق و تکالیف این دو نسبت به هم در اندیشه حقوقی و سیاسی امام، به صورت دوجانبه و متقابل است. از دیدگاه امام صرف‌نظر از جایگاه اسلام در مشروعیت-بخشی به حکومت، مردم نقش اصلی و مهمی در اعطای مقبولیت به نظام سیاسی دارند به گونه‌ای که رای مردم و اتکای حکومت به آرای مردم، محور و جوهره اصلی اندیشه سیاسی امام خمینی است. در سخنان امام درباره حقوق متقابل مردم و حکومت در تعیین سرنوشت خویش و حمایت از حکومت، از یک‌سو و ضرورت وجود اسلام به عنوان ماهیت حکومت با هدف هدایت و رستگاری انسان‌ها، مدل جدیدی از دموکراسی و پیوند جدیدی میان دین و سیاست مطرح می‌شود.

برخی از ویژگی‌های مدل حکومتی مورد نظر امام عبارت است از: ۱. همراهی و حمایت مردم از حکومت مشروط به این‌که حکومت ماهیت اسلامی خود را حفظ کند؛ که نتیجه همراهی مردم، پیشرفت امور کشور و جلوگیری از فساد و تباهی جامعه است. ۲. حق مهم دولت بر مردم، مسئولیت نظارتی و مشورتی است. در اندیشه سیاسی امام، مردم با نظرهای مشورتی و خیرخواهانه خود، در قالب امر به معروف و نهی از منکر بر رفتارهای سیاسی و اجتماعی زمامداران توجه جدی دارند و این امر موجب اصلاح و سالم‌سازی کارگزاران و تقویت حکومت اسلامی می‌شود. ۳. حفظ حاکمیت داخلی و استقلال کشور در برابر نیروهای بیگانه و تأمین آزادی‌های سیاسی مردم یکی از تکالیف اصلی دولت است. یعنی از حقوق مهم مردم، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی است که باید زمامداران حکومت اسلامی به آن توجه نمایند. ۴. از دیدگاه امام همه مردم در انتخاب افراد آزاد هستند و کارگزاران و دولتمردان اجازه دخالت در انتخابات و تحمیل نمودن رای خودشان به مردم را ندارند بلکه رسالت آنها فقط تمهید مقدمات حضور مردم در مشارکت و رای دادن است. ۵- از نظر امام «حکومت مستند به قانون الهی و آرای ملت است»؛ یعنی «رای مردم در تعیین سرنوشت خویش» و «وجود اسلام به عنوان ماهیت حکومت» دو بال نظام حکومتی مد نظر امام یا همان جمهوری اسلامی است. ۶- از نگاه امام، قانون تعیین‌کننده رابطه حکومت و مردم و حقوق متقابل است و تامین منافع و مصالح کشور و مردم چهارچوب قانون و مقررات مربوطه، میسر است.

در فحوای کلام امام محتوای حکومت، اصل و اساس است و شکل حقوقی حکومت در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. در سطح تفسیر امام با توجه به شرایط زمانی و برهه‌های مختلف انقلاب اسلامی و با عنایت به ترکیب جمعیتی حاضران در مکان سخنرانی یا مصاحبه از عناصر زبانی با مولفه‌های گفتمانی استفاده نموده است. در

سطح توصیفی هم امام برای بیان دیدگاه‌های سیاسی و طرح اندیشه حکومتی مورد نظر اسلام از راهبردهای متنوع زبان‌شناختی و برخی مولفه‌های گفتمان‌مدار همانند مبتداسازی، تقابل و ترادف معنایی و باهم‌آیی واژگانی استفاده نموده است.

منابع

- آفاکل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. چاپ اول.
- آفاکل زاده، فردوس؛ غیاثیان، مریم السادات (بهار ۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، ادب پژوهی، شماره ۱، دوره ۱، (۲۷-۱۷).
- اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، سید شمس‌الدین؛ دهقانی، رضا (۱۳۹۴). «تحلیل نقش امام خمینی در استعلای گفتمان اسلام‌گرایی در جریان انقلاب اسلامی»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۲، (۹-۲۶).
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، ۲۲ جلد، چاپ پنجم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۷۹). «گذری بر حقوق متقابل مردم و حاکم در جامعه علوی (علیه‌السلام)»، پژوهشنامه معرفت. شماره ۳۷.
- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹). مقدمه تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۸۱). «حقوق متقابل مردم و حاکمان»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۸. داوری اردکانی، رضا و همکاران (۱۳۹۱). زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی، چاپ دوم، تهران: هرمس.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۶). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، چاپ دوم، تهران: سمت. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳). «قدرت، گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در مطبوعات»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان، چاپ سوم، تهران: سمت. شهبازی‌راد، محمدصادق (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان رهبری انقلاب اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- ضیایی، محمد صادق؛ نرگسیان، عباس؛ کیامنفرد، منیژه (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی (ره)»، مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳، (۸۵-۱۰۴).
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه: فاطمه شایسته پیران و همکاران. چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

فوکو، میشل (۱۳۸۴). قدرت و حقیقت، ترجمه: بابک احمدی، چاپ دوم، تهران: کتاب تردید.
کریمی فیروزجایی، علی؛ نعیمی، فرحناز (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان عدالت اجتماعی از دیدگاه امام
خمینی (س) براساس رویکرد جامعه شناختی معنایی ون لیوون». پژوهشنامه متین، تهران: موسسه
چاپ و نشر عروج، سال نوزدهم، شماره ۷۴، (۱۲۹-۱۵۰).
گل‌صنم‌لو، زین العابدین؛ موحدی محب، عبدالله (پاییز ۱۳۹۰). «حکومت و حقوق متقابل مردم و
زاممداران در نهج البلاغه»، مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۷.
معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). «امام علی (ع) و حقوق متقابل مردم و حکومت»، کتاب نقد، شماره ۱۸.
موسوی بجنوردی، سید محمد؛ صفایی، راحله (۱۳۸۸). «حقوق متقابل مردم و حکومت اسلامی از
دیدگاه امیرالمومنین علی (ع)»، پژوهشنامه متین، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، شماره ۴۴.
یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵). ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، چاپ دوم، تهران: هرمس.
یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳). درآمدی به گفتمان‌شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات هرمس.
یحیایی ایله‌ای، احمد (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان چیست؟»، تحقیقات روابط عمومی، سال دهم، شماره
۶۰.

Fairclough. N (1989). Language and power, London: Longman.

Fairclough. N. (1992). Discourse and social change, London: Longman.

Fairclough. N. (1993). Critical Discourse Analysis and the Marketization of Public
discourse "Critical and Descriptive Goals in Discourse Analysis". pp. 321-34

Fairclough. N. (1995). Media discourse, London: Longman.

Van Dijk, T.A. (2005). Handbook of Discourse Analysis, vol.: Disciplines of
Discourse. New York: Academic Press.

Van Dijk, T.A. (1985). Introduction: discourse as a new cross discipline, In T.A.V.
(Ed.)

Wodak, R. Meyer, M. (2001) Methods of Critical Discourse Analysis, London:
SAGE Publications.